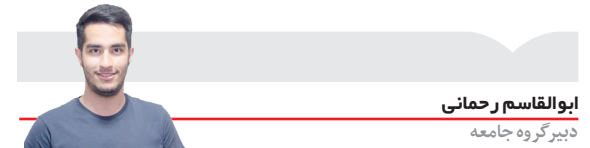




اقتصاد ۸۰ هزار میلیاردی؛ مانع اصلی حذف کنکور

مافیای کنکور مشغول کار است



ابوالقاسم رحمانی

دبیر گروه جامعه

چه چیزی را به اندازه ماجرای انتقال پایتخت از تهران، احیای دریاچه ارومیه، طرح رتبه بندی معلمان و... در کشور و از زبان مسئولان شنیده ایم؟ کمی فکر کنید؛ مربوط به حوزه آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور است. کمی بیشتر فکر کنید؛ فکر می کنم درست حدس زده باشید، ماجرای حذف کنکور! قصه حذف کنکور،

گمان می کنم قدمتی به اندازه خود کنکور یا حداکثر کمی کمتر از آن دارد. هر دولت، هر وزیر آموزش و پرورش، هر دوره شورای عالی انقلاب فرهنگی، هر نماینده مجلس و حتی هر کارشناس و فعال حوزه آموزش، حداقل یک بار وعده حذف کنکور را داده و هیچ وقت هم به آن عمل نکرده است. آن قدر به آن عمل نشد و نمی شود که بشود. این بار مسئولان ترجیح دادند به جای واژه حذف کنکور، از جمله ساماندهی کنکور استفاده کنند و با طرحی سعی کنند تا به قول خودشان در نظام و سنجش و پذیرش دانشجو یک بازنگری داشته باشند، بلکه این بار و در ایام پایانی دولت دوازدهم، مثل

ایام پایانی و میانی و ابتدایی دولت های قبلی، ناخنکی هم به کنکور زده باشند که مبادا امتیاز این مرحله را از دست بدهند. اما من و شمایم که خواسته یا ناخواسته، خیلی از کنکور شنیده ایم، آن را تجربه کرده ایم و به زبرویم آن هم آگاه شده ایم، می دانیم ساده ترین کار در ارتباط با ماجرای کنکور بازی با واژه ها (مثل خیلی دیگر از این طور داستان ها) و سخت ترین کار اجرای سیاست های به درد بخور و کارآمد است. دوست نداشتیم با این پیش فرض منفی گزارشم را آغاز کنم، منتها مساله اتقندی نخ نماشده و تکراری است که تا وقتی خبر عدم برگزاری کنکور به گوش نرسد و شکل و شمایل

فعلی پذیرش دانشجو تغییر اساسی نکند و عدالت جانشین تمام بی عدالتی های موجود در نظام آموزش و پذیرش دانشجو نشود، نه می توان به آن دل بست و نه می توان چشم به تغییر مثبت داشت. بیخودی که نیست، پای چندده هزار میلیارد پول در میان است. از خود سازمان سنجش که منتفع وضع موجود و البته مجری آن است تا تمام موسسات و ناشران کنکوری، بر سر سفره نشستند و به این سادگی ها نمی توان زیر میز زد و کاسه و کوزه همه شان را به هم ریخت، یعنی نمی گذارند که اینچنین بشود، همان طور که به قبلی ها هم اجازه ندادند.

ماجرا از چه قرار است؟

بعد از کش و قوس های فراوان و قوانین و ادعاهای گوناگون پیرامون حذف کنکور و شکست در انجام این پروژه این بار و با اقدام شورای عالی انقلاب فرهنگی طرح جدیدی برای ساماندهی به نظام سنجش و پذیرش دانشجو مطرح شده است. بعد از شکست های متعدد پروژه حذف کنکور، مثلاً قانون نظام پذیرش دانشجو مصوب ۱۳۸۶ که دولت را موظف می کرد حداکثر تا سال ۱۳۹۰ کنکور را کاملاً حذف کند و سوابق تحصیلی جایگزین این ماراتن چندساعته برای سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه ها باشد، این بار مسئولان نظام آموزش کشور، از ادعاهای قبلی خود کمی پایین تر آمده اند و به جای حذف، تصمیم به بازنگری و ساماندهی نظام سنجش و پذیرش دانشجو گرفته اند. ماجرا هم از این قرار است که براساس تصمیم شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۸۳۹ این شورا در اواخر فروردین امسال طرحی با حضور روحانی رئیس شورا و ابراهیم رئیسی رئیس قوه قضائیه ارائه شد که شکل و شمایل سنجش و پذیرش دانشجو در کشور را از سال ۱۴۰۱ تغییر خواهد داد. این طرح ۴ اردیبهشت ماه، یعنی دو سه روز پیش، در جلسه ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور هم مطرح شد تا هرچه زودتر گام های نهایی آن برداشته شود. سعیدرضا عاملی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه مذکور و درباره طرح جدید ساماندهی کنکور گفت: «هم اکنون روش مادر سنجش داوطلبان ورود به دانشگاه، هم آموزش و پرورش را خنثی کرده و هم دانشگاه را؛ چرا که آموزش در ارزیابی نهایی دانش آموزان نقش ندارد و دانشگاه هم در پذیرش نهایی داوطلب دخالتی ندارد. در این روش ۴۰ درصد سهم ارزیابی سازمان سنجش آموزش کشور در کنار ۶۰ درصد سهم آموزش و پرورش برای دروس عمومی و اختصاصی قرار می گیرد و آموزش و پرورش نیز به مرور زمان نظام ظرفیت معنادارتری را در ارزیابی نهایی پیدا خواهد کرد. نگرانی این بود که این تغییر یکباره باز خورد سنگینی از ناحیه داوطلبان داشته باشد، اما درصدد هستیم روشی را جلو ببریم که کارآمدی لازم را داشته باشد و یک تغییر تند محسوب نشود، لذا کنکور سر جای خود باقی می ماند و به سمت دروس اختصاصی می رود. شاهد وحدت نظر و اجماع مثبت وزرای علوم، آموزش و پرورش و بهداشت روی ساماندهی کنکور سراسری و بازنگری نظام سنجش و پذیرش دانشجو هستیم. قرار شده است یک کمیته سه نهاد تشکیل شود و از سازمان سنجش و رئیس آن، ستاد نقشه جامع علمی کشور و مسئولان آموزش و پرورش در آن حضور داشته باشند تا ابهامات موجود در این طرح برطرف شود. البته قرار نیست این کمیته درباره سیاست های کلانی که روی آن جمع بندی

صورت گرفته است، نظر بدهد؛ یعنی اعضای کمیته سه جانبه موظفند ابهامات را با حفظ و بدون تغییر مانند موارد جمع بندی شده، برطرف کنند. از سال ۶۲ یعنی زمانی که شورای عالی انقلاب فرهنگی نداشتیم و ستاد انقلاب فرهنگی وجود داشت، این ارگان به مساله کنکور ورود کرده است. وظایف شورای عالی مشخص است که در حوزه آموزش دارای مسئولیت و اختیار است؛ لذا وقتی شورای عالی به این مساله ورود می کند، نباید مجلس شورای اسلامی در این حوزه وارد شود.» حسام الدین آشنا، مشاور فرهنگی رئیس جمهور، محمد محمدیان از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی به علاوه منصور غلامی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری هم از حاضران در جلسه ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور بودند. آشنا در ارتباط با این طرح گفت: «ما درصدد هستیم با طرح جدید درباره بازنگری نظام سنجش و پذیرش دانشجو، مشکل رابطه آموزش و پرورش با آموزش عالی را حل کنیم. مساله این است که تعدادی رشته محل با متقاضی بسیار بالایی داریم و برای حل این مساله این طرح را ایجاد کرده ایم. با اجرای طرح ۶۰+۴۰، یک امتحان تستی راه به یک امتحان تستی -تشریحی تبدیل می کنیم. ویژگی این طرح این است که باید سه سال تحصیل دانش آموز را بسنجند که استاندارد و اعتبار دارد و به جای تأثیر ۳۰ درصد مثبت معدل، تأثیر ۶۰ درصد مطلق معدل اعمال می شود.» محمدیان با انتقاد از زمان اجرای این طرح یعنی سال ۱۴۰۱ گفت: «عقب افتادن دانش آموزان مناطق محروم دغدغه ماست و نباید اقدامی شود که طبقه خاصی به دانشگاه وارد شوند. البته هم اکنون هم با تراز بندی و منطقه بندی این مشکلات حل می شود. علاوه بر این برای اعمال تأثیر ۶۰ درصدی سابقه تحصیلی یک زمان پنج ساله نیاز است. باید نحوه اعمال سوابق تحصیلی ۶۰ درصد مشخص شود تا دچار برگزاری دو کنکور نشویم.» وزیر علوم هم خاطرنشان کرد: «همه قبول داریم که شیوه فعلی برگزاری کنکور باید اصلاح شود و آموزش و پرورش هم باید شیوه فعلی خود را بهبود بدهد. اما در تصمیمات در مرحله اول باید به امکان اجرایی سازی تصمیمات توجه کنیم. دوم اینکه تکلیف دانشگاه ها باید مشخص شود که به دانشگاه ها در پذیرش دانشجو چقدر استقلال داده شود. این طرح اقدام مهمی است و باید نظرات آموزش و پرورش در آن لحاظ شود و علاوه بر آن به دانشگاه ها که متقاضی جذب دانشجویی بهتر و اختیار بیشتر در جذب هستند، توجه شود. اکنون در سه اصل جداسازی سنجش از پذیرش، تکرار آزمون ها و دادن اختیار بیشتر به دانشگاه ها اختلاف نظر وجود ندارد.»

بهتر بود این طرح را مجلس ارائه می کرد تا پاسخگو باشد

در ارتباط با این طرح و تبعات آن در آینده نظام آموزش کشور، خصوصاً پروسه سنجش و پذیرش دانشجو با عادل برکم، کارشناس حوزه آموزش گفت وگویی انجام دادیم و او در این رابطه به «فرهنگستان» گفت: «نکته اول در ارتباط با نهاد تصمیم گیر است. اینجا ما نقش شورای عالی انقلاب فرهنگی را پررنگ می بینیم، در حالی که بهتر بود یک نهاد دیگری که به مردم پاسخگو باشد، همچون مجلس چنین مساله ای را طرح و در آن نقش جدی تر ایفا می کرد یا حداقل اگر شورای عالی انقلاب فرهنگی هم آن را پیش می برد، ذیل نهاد دیگری همچون مجلس باشد که بتوان چند صباح دیگر مستقیماً از آن مطالبه کرد. از این نکته که بگذریم و در ارتباط با خود اصل طرح ارائه شده که حول همان ماجرای حذف کنکور است، باید بگویم حذف کنکور باید با محوریت حذف دانشگاه محوری تعریف شود.»

ارزش گذاری های بیچاره روی برخی مشاغل موازنه انتخاب رشته و شغل را تغییر داده است

این کارشناس آموزشی گفت: «تفاوت درآمد ها و منزلت اجتماعی خارج از دانشگاه یکی دیگر از مسائلی است که رسیدگی به آن می تواند از تبوتاب و هجوم به کنکور برای ورود به دانشگاه کم کند. تا وقتی این شکاف هایی که می بینیم، در سطح درآمد مشاغل مختلف، در میزان دریافتی یک پزشک و مقایسه آن با دریافتی یک معلم و... خودش یکی از اصلی ترین عواملی است که باعث هجوم داوطلبان به سمت یک رشته خاص می شود. اگر این فضای بیرونی را کنترل کنیم، کلی از بار هجوم به رشته های پزشکی و... می کاهشیم. همه می خواهند پزشک شوند! البته این مساله راهکار دیگری هم دارد و آن اینکه با از نظر مادی بین مشاغل مختلف در سطوح نزدیک به هم قرار گیرند، یا اینکه تعداد پزشک و پرستاران افزایش پیدا کند تا این طور به خاطر کمبود یا هر مسئله دیگری تفاوت بین دستمزد یک پزشک با یکی طبقات اجتماعی وجود داشته باشد و همین مساله هم تقاضا برای دکتر شدن را بین دانش آموزان و... بالا ببرد. وقتی به برخی مشاغل ارزش اجتماعی بیشتر اعطا می کنید، خواه ناخواه رغبت افراد جامعه به سمت آن مشاغل و طبقات می رود. در این تفاسیر این طرح به نظر من طرح موفقیتی نخواهد بود؛ چرا که منطق آن، منطق حذف دانشگاه محوری نیست و در هر همان پاشنه سابق خواهد چرخید. چرا؟ چون عوامل و متغیرهای بیرونی اصلاً مورد توجه قرار نگرفته اند، مصداقاً روی کنکور بحث و تبادل نظر شده و تصمیمی هم گرفته شده است. فارغ از اینکه چه عواملی خارج از ساختار نظام آموزشی بر این نظام اثر می گذارد، جایش خالی است. در این طرح اصل موضوع فراموش شده و نگاه تخصصی بر آن حاکم نیست. به جای اینکه این مشکل حل شود که چرا برخی رشته های متقاضی بیشتری دارند و برخی دیگر نه و ببینند فکری به حال باقی رشته ها کنند، در مدل اجرا و ارزش گذاری کنکور به جمع بندی رسیده اند.»

آزمون تخصصی گام اول اهمیت تخصص برای ورود به دانشگاه

برکم با مثبت خواندن سهم ۴۰ درصدی سنجش در طرح سنجش و پذیرش دانشجو گفت: «در طرح اشاره شده است که ۴۰ درصد اثر گذاری در پروسه سنجش و پذیرش دانشجو آزمون سنجش از دروس تخصصی است. این اتفاق خوبی است و من با آن موافق به این دلیل که برای حذف روش های مبتذل تست زنی و آموزشی که موسسات و مدرسان کنکوری به دانش آموزان تجویز می کنند نیاز به تخصصی شدن و شسته و رفته شدن آزمون داریم. با مثلاً دانش آموز فنی و حرفه ای نیاز چندانی به فراگیری درس عربی به حد آمادگی برای کنکور سراسری یا حتی ادبیات و... ندارد. خصوصاً اگر بخواهد با روش های مبتذل آموزشی برخی موسسات آنها را یاد بگیرد و آزمون بدهد. این آزمون تخصصی اولویت را به تخصص و مهارت فرد می دهد و کمک می کند هر دانشگاه متناسب با نیاز و سطح خودش دانشجو جذب کند و افراد صرفاً از طریق مهارت های اصلی وارد دانشگاه شوند. کمک آموزش ها هم در این پروسه، با این گسترده گی، خارج خواهند شد. البته به شرط اینکه نظارتی بر آنها وجود داشته باشد و مرجعیت کسب علم و موفقیت در آزمون به آنها داده نشود.»

انتفاع ۸۰ هزار میلیاردی از بازار کنکور، اصلی ترین مانع ساماندهی

خب با این طرح مشخص شد که مسئولان فعلی نظام آموزشی کشور درصدد براندازی هسته و به قول خودشان ساماندهی کنکور هستند. منتها آن چیزی که پرواضح است اینکه نه توان این کار از لحاظ اجتماعی وجود دارد و نه تغییر خاصی در پروسه سنجش و گزینش دانش آموز ایجاد می شود. فی الواقع، در وهله اول مساله اصلی اساس وجود کنکور به عنوان متر و معیار پذیرش دانشجو و حتی عقب تر از آن خود ورود دانشجویان به هر شکل و طریقی به دانشگاه است. شما نگاهی به داوطلبان ببیند، نگاهی به رشته های پرطرفدار ببیند؛ همه می خواهند دکتر شوند، همه می خواهند فلان مهندسی در فلان دانشگاه خاص را قبول شوند، چرا؟ چون فضای اجتماعی و فرهنگی جامعه و خانواده ها این طور ساخته و تربیت شده است. کسب مدرک از فلان دانشگاه تبدیل به ارزش نهایی شده است و تخصص و مهارت جایگاهی ندارد. پس مادامی که به فضای ماقبل کنکور، به فضای اجتماعی، به فاصله و شکاف بین منزلت اجتماعی مشاغل و حرفه های مختلف و بتی که از بعضی رشته ها و تخصص ها ساخته شده است نپرداخته و آن مسائل ریشه یابی و حل نشود، کم کردن ولع دانش آموزان به ورود به هر طریقی به دانشگاه و باقی حواشی آن غیرممکن به نظر می رسد. نکته دوم توسعه قدرت نفوذ موسسات و ناشران کمک آموزشی است. اصلاً یکی از دلایل اصلی عدم حذف کنکور همین انتفاع موسسات از جمله خود سازمان سنجش از برگزاری کنکور است. با این طرح این درآمد و انتفاع حتما گسترده تر هم خواهد شد؛ چرا که تولیدات و محتوای کمک آموزشی و نمره ساز دیگر محدود به یک سال پایانی تحصیل که منتهی به کنکور است نخواهد ماند و آن ۶۰ درصد تعیین کننده که طی چندسال پایانی تحصیل در مدرسه تعیین تکلیف می شود، جاذبه زیادی برای به اصطلاح مافیای کنکور خواهد داشت و به سادگی نه از آن می گذزند و نه اجازه حذف می دهند. پس به عنوان جمع بندی این بخش و قبل از گفت وگو با کارشناس باید بگویم، گردش مالی بیش از ۸۰ هزار میلیارد تومانی (طبق آخرین محاسبات بر طبق تورم سالانه و...) موسسات و انتشارات کنکوری به علاوه تبلیغات و مشتری یابی مدارس خاص و لاکچری به این سادگی ها اجازه حذف کنکور را نمی دهد و هر طور هم شده خودشان را با وضعیت جدید تطبیق می دهند و جیب شان را پر می کنند.

مساله کنکور بدون توجه به واقعیت های اجتماعی هیچ وقت حل نمی شود

برکم ادامه داد: «ما شرایط استخدامی را در بسیاری از پست های دولتی و... که نیازی به بیشتر از دیپلم هم ندارد، بعضاً فوق لیسانس تعیین کرده ایم. در این سیستم ما یک مدرک محوری داریم که خواه ناخواه مخاطب را به سمت دانشگاه محوری سوق می دهد. یعنی اگر بخواهید در سیستم دولتی و... شغلی بگیرید، نیازمند مدرک هستید و همین یعنی محوریت در جامعه در حوزه شغل یابی، مدرک محوری است. برای مثال همین نمایندگی مجلس در انگلستان با دیپلم هم یک فرد امکان نماینده شدن را دارد، در ایران اما برای ورود به بهارستان حتما باید فوق لیسانس داشته باشید! من درباره کارآمدی و توان عملی افراد و نمایندگان حرفی نمی زنم، اما خب مشخصاً می توانیم ببینیم این مدرک محوری در پارلمان چقدر تأثیر و برودن داشته است! با این اوصاف، فارغ از ارائه طرح هایی نظیر طرح فعلی ساماندهی کنکور، مهارت محوری و سوق دادن دانش آموزان به سمت کسب مهارت و عدم الزام برای مدرک گرایی بخش زیادی از مسیر را هموار می کند.»

۶۰ درصد سوابق تحصیلی یک معیار فرمالیته است

این کارشناس حوزه آموزش افزود: «و اما آن ۶۰ درصد سوابق تحصیلی که در دوران تحصیل دانش آموز کسب خواهد شد. در این مورد ما با نوعی سردرگمی و بلا تکلیفی مواجهیم. مثلاً در آزمون تشریحی، تصحیح اوراق دانش آموزان، نمره دادن ها و مسائل این چنینی نمی توانند معیار خوب و خط کشی شده ای برای نمره دادن باشند که حقی از کسی ضایع نشود. برکنندگی نمرات بیشتر می شود، این برکنندگی نمرات هم خودش ایراداتی ایجاد و کار را حساسی سخت می کند. مثلاً ممکن است ۲ هزار نفر معدل ۱۸ و ۲۵ صدم داشته باشند، اینها چطور آن ۶۰ درصد را کسب می کنند و همین طور در سایر نمرات و معدل ها، پیچیدگی عجیبی وجود دارد که به نظر من همین سختی و پیچیدگی این موضوع ۶۰ درصد سوابق تحصیلی را بلا موضوع و بی حاصل می کند. این یعنی تمام تمرکز روی همان ۴۰ درصد و آزمون سازمان سنجش خواهد بود. ما فقط با این تقسیم بندی یک دغدغه بیجا و اضافی ایجاد کرده ایم، بدون آنکه آن توقعی که مدنظر بود را به دنبال داشته باشد. به نظر من مسئولانی که این طرح را طراحی کردند شناخت کافی و همه جانبه ای نسبت به این مساله نداشتند. هر ایرادی که کنکور دارد، قابلیت اصلاح و ترمیم دارد. تخصصی شدن، مرجعیت بخشیدن به کتاب درسی و... همه اموری است که می توان آن را مدیریت کرد. متأسفانه این طرح خیلی تفاوتی با وضع موجود و قبلی ندارد و با موضوعیت بیشتر دادن به سوابق تحصیلی و... دامنه ورود و فروش کمک آموزشی ها را تا پایه های مختلف تحصیلی هم به اسم کنکور افزایش دادند.»